

تکنولوژی، تجارت و فرهنگ

الف- تکنولوژی و تجارت

بدون انتقال علوم به تکنولوژی جهت راهگشائی مشکلات غامض درگیر با توسعه جوامع بشری، علم بدون اینکه کوچکترین تأثیری در کیفیت زندگی بشر به گذارد، صرفاً بصورت مجموعه‌ای از دانشها و آگاهیها باقی خواهد ماند. بعلاوه نیازی نیست که به نقش تکنولوژی در بهبود روش تولید، دستیابی به صرفه‌جویی در مقیاس، حداکثر نمودن تولید و کسب کفایتهای لازم در بخشهای مختلف بازرگانی تأکید بیشتری داشته باشیم. کشورهایی که تکنولوژی‌های جدید را بکار گرفته و توسعه داده‌اند مستمراً روشهای نوینی را در تولید در پیش میگیرند در حالیکه کشورهای دیگر به کندی و با تأنی راه آنان را دنبال می‌نمایند.

علاوه بر این تکنولوژی بدون تجارت نمی‌تواند توسعه یابد. در یک بازار کوچک که در آن هیچ کالائی را نمیتوان در مقیاس وسیع بفروش رساند، هیچ صنعتی به آسانی رشد نمی‌کند و توسعه تکنولوژیکی غیرقابل دستیابی است. این امر منجر به عدم توسعه مستمر تکنولوژی و در نتیجه پیشرفتهای ناچیز در زمینه دانشهای علمی خواهد شد. علم، تکنولوژی و تجارت به یکدیگر وابسته‌اند و تنها توسعه تجارت می‌تواند موجبات تشویق و پیشرفت تکنولوژی را فراهم سازد. توسعه تکنولوژی نیز بنوبه خود میتواند پیشرفت علم را تشویق نماید. از سوی دیگر توسعه علوم، توسعه تکنولوژی را ممکن میسازد که (البته تنها عامل نخواهد بود و دیگر شرایط نیز باید فراهم باشند.) بهمین منوال توسعه تکنولوژی نیز توسعه تجارت را البته

به شرط فراهم بودن سایر شرایط ممکن میسازد.

علت اصلی توسعه نیافتگی جهان اسلام انقیاد آنها به دولتهای استعمارگر طی سه قرن اخیر بوده است که به ابرقدرتهای خارجی اجازه داد کنترل منابع مواد اولیه صنعتی را در دست گیرند. اکثر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی قربانی چنین شرایطی واقع گردیده و اقتصاد آنها به سطح تولید مواد اولیه برای صنایع کشورهای استعمارگر محدود گشت. پس از اعلام استقلال و انقلابات ضد امپریالیستی و رهایی بخش، کشورهای عضو با تشویق استفاده از تکنولوژی در بخش کشاورزی و همچنین بخش صنعت، خود سعی به خروج از این دور و تسلسل نمودند. لیکن آمار و ارقام نشان میدهند که این کوششها خیلی بندرت با موفقیت همراه بوده و تقریباً هیچیک از کشورهای مسلمان بطور کامل نتوانسته خود را از عدم توسعه یافتگی ناشی از این عامل که صادر کننده مواد خام اولیه و وارد کننده تولیدات صنعتی نهائی بوده رهایی بخشد.

جدول شماره ۶ درصد کل واردات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را به دلار آمریکا در سال ۱۹۸۱ به تفکیک سه بخش اصلی: کشاورزی، دیگر کالاهای اولیه شامل نفت و تولیدات صنعتی نشان میدهد. در جدول شماره ۶ مشاهده میشود که بیش از ۷۰ درصد کل واردات کشورهای مسلمان کالاهای ساخته شده صنعتی هستند در حالیکه این آمار برای بخش کشاورزی ۱۵ درصد می‌باشد. واردات دیگر مواد خام اولیه ۱۳/۵ درصد می‌باشد. در صورتیکه تولیدات کشاورزی و

نفت را استثناء نمائیم، تقریباً کلیه واردات کشورهای عضو، کالاهای صنعتی میباشند که غالباً از کشورهای صنعتی پیشرفته وارد میشوند که این خود یک مانع اساسی برای توسعه تکنولوژی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی می باشد.

وضعیت موجود در بین سه گروه کشورهای عضو (آسیائی، عربی و آفریقائی) تنها کمی متفاوت میباشد. در واقع درصد کالاهای صنعتی وارداتی در کشورهای عربی بالاتر (۷۵ درصد) و کشورهای آفریقائی و آسیائی پائین تر (حدود ۶۵ درصد) می باشد. از طرف دیگر واردات مواد غذایی در کشورهای آفریقائی بالاترین درصد را دارد (۱۸ درصد) و بدنبال آن کشورهای عربی (۱۶ درصد) و در سطح پائین تر کشورهای آسیائی (۱۴ درصد) قرار دارند. چنین نرخهای بالائی از واردات مواد غذایی بنوبه خود نشانگر عدم توسعه یافتگی در تکنولوژی کشاورزی است خصوصاً زمانیکه بیاد آوریم درصد بزرگی از نیروی انسانی این کشورها در بخش کشاورزی بکار گرفته شده است. بالاخره واردات کالاهای اولیه (شامل نفت) برای گروه کشورهای آسیائی بالاترین (۲۳ درصد کل) و برای کشورهای عربی پائین ترین (۹ درصد) رقم را داراست در حالیکه درصد آن در گروه کشورهای آفریقائی ۱۶ درصد می باشد.

برداشت کلی حاصل از این ارقام چنین است که گروه کشورهای آسیائی از دو گروه دیگر دارای وضعیت بهتری می باشد در حالیکه گروه کشورهای آفریقائی ناموفق ترین گروه کشورهاست.

در جدول شماره ۶ که نمایانگر صادرات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۸۱ می باشد ارقام صادرات به تفکیک سه بخش: محصولات کشاورزی، کالاهای اولیه و تولیدات صنعتی نشان داده شده اند. در اینجا نیز می توان مشاهده نمود که کشورهای مسلمان اساساً صادر

کننده مواد خام اولیه هستند که میانگین آن به ۹۱ درصد میرسد در حالیکه صادرات کالاهای صنعتی آنها تنها میزان ناچیز ۴/۴ درصد و صادرات تولیدات کشاورزی آنها کمتر از ۵ درصد می باشد.

از لحاظ صادرات نیز وضعیت کشورهای آسیائی با صدور کالاهای صنعتی بالغ بر ۷ درصد و مواد غذایی بمیزان ۱۶ درصد کل صادرات نسبت به کشورهای دو گروه دیگر بهتر می باشد. صادرات کالاهای صنعتی در کشورهای آفریقائی تنها ۳/۳ درصد می باشد. درصد بالای صادرات محصولات کشاورزی بمیزان ۲۰/۶ درصد در حقیقت بوضوح نشان میدهد که بسیاری از کشورهای آفریقائی تحت فشار رژیمهای استعمارگر مجبور گردیده اند که بقیمت گرسنگی مردم کشورشان صادرات محصولات کشاورزی خود را توسعه دهند. اگر حضور نفت در صحنه اقتصاد کشورهای عربی مانند عربستان سعودی، کویت، بحرین و قطر نبود وضعیت این گروه از کشورها نیز خیلی بهتر از گروه کشورهای آفریقائی نمیبود. این حقیقت که کشورهایمانند پاکستان، ترکیه و مالزی توانسته اند صادرات محصولات کشاورزی خود را به بیش از ۳۰ درصد کل حجم صادرات خویش برسانند مؤید این واقعیت است که بخش کشاورزی این کشورها بمقدار زیادی به پیشرفت های تکنولوژیکی نائل آمده است.

لازم بتذکر است که در این سه کشور همچنانکه در جدول شماره ۱ نشان داده شد، درصد نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی جزو پائین ترین درصدها در مقایسه با دیگر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی میباشد. از سوی دیگر همانطور که در جدول شماره ۷ نشان داده شده، بسیاری از کشورهای مسلمان موفق گردیده اند که تولیدات صنعتی خود را به درصد قابل ملاحظه ای از کل تولیدات خود برسانند. این کوششها مطمئناً با همکاری بیشتر و بهتر بین اعضای سازمان

کنفرانس اسلامی تشویق و حمایت خواهند گردید.

جدول شماره ۸ که در بر گیرنده تراز بازرگانی کشورهای عضو برای سه بخش کشاورزی: (کشاورزی، کالاهای اولیه و کالاهای صنعتی) می باشد بوضوح نشان میدهد که جهان اسلام از کمبود تولیدات مواد غذایی رنج میبرد. در واقع، تنها در سال ۱۹۸۱، کل عدم تراز بازرگانی بین واردات و صادرات محصولات کشاورزی در کشورهای اسلامی بالغ بر حدود ۱۶ میلیارد دلار بوده است. مشابهتاً تراز بازرگانی کالاهای صنعتی تنها در سال ۱۹۸۲ بطرز تأسف باری بمیزان بیش از ۱۲۵ میلیارد ریال بضرر کشورهای اسلامی بوده است که معادل ۱۸۰ دلار برای هر نفر در کلیه ۴۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی می باشد. مازاد ترازها تنها در صادرات مواد خام اولیه شامل نفت دیده میشود. جدول شماره ۸ بوضوح نمایانگر اینست که جهان اسلام کلاً صادر کننده خالص مواد خام اولیه و وارد کننده خالص تولیدات نهائی صنعتی و مواد

غذائی است. این وضعیت آشکارا در هر گروه متفاوت می باشد. در حالیکه هر سه گروه کشورها وارد کنندگان خالص تولیدات صنعتی و صادر کنندگان خالص مواد خام اولیه میباشند، در گروه کشورهای آسیائی صادرات تولیدات صنعتی بالغ بر ۱۳ درصد وارداتشان میگردد در صورتیکه این درصد در گروه کشورهای عربی کمی بالاتر از ۸ درصد و در کشورهای آفریقائی کمتر از ۵ درصد می باشد. از سوی دیگر کشورهای آسیائی عضو علیرغم جمعیت زیاد و نیروی کار بالنسبه کمتر شاغل در بخش کشاورزی صادر کنندگان خالص مواد غذایی می باشند. در حالیکه کشورهای عربی و آفریقائی وارد کنندگان خالص مواد غذایی می باشند، درآمد خالص ۲ میلیارد دلار برای گروه کشورهای آسیائی در تولیدات کشاورزی بدست آمده است. در اینجا نیز ۳ کشور گروه آسیائی (مالزی، پاکستان و ترکیه) موفقیتهای چشمگیری کسب نموده اند.

جدول شماره ۶ (۱)

واردات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۸۱ (میلیون دلار)

نام کشور	درصد واردات از کشورهای عضو	محصولات کشاورزی	دیگر کالاهای اولیه	کالاهای تولیدی صنعتی	کل واردات
اندونزی	۱/۸	۱۷۱۴/۳۷	۲۲۶۷/۲۳	۹۲۹۰/۴۰	۱۳۲۷۲
بنگلادش	۲۵/۹	۴۰۲/۲۹	۶۵۲/۲۷	۱۶۴۹/۴۴	۲۷۰۴
پاکستان	۴۰/۱	۷۵۵/۰۰	۱۹۱۶/۰۰	۲۶۷۱/۰۰	۵۳۴۲
ترکیه	۴۲/۳	۳۲۵/۲۶	۴۴۰۶/۵۸	۴۱۹۶/۱۶	۸۹۲۸
ایران	۸/۳	۲۷۴۵/۲۰	۶۶۰/۸۰	۸۷۵۰/۰۰	۱۲۱۵۶
افغانستان	۶/۴	۱۳۴/۳۴	۶۷/۶۶	۴۲۰/۰۰	۶۲۲
مالزی	۸/۲	۱۴۶۴/۳۶	۲۵۷۸/۱۴	۷۵۰۷/۵۰	۱۱۵۵۰
برونی	۵/۰	۸۰/۸۰	۶۸/۲۰	۴۵۰/۰۰	۵۹۹
مالدیو	۰/۰	۱۳/۲۶	۱۶/۷۴	۲۰/۰۰	۵۰
مجموع کشورهای آسیایی	۱۶/۱	۷۶۳۴/۸۸	۱۲۶۳۳/۶۲	۳۴۸۷۴/۵۰	۵۵۲۲۳
		(۱۳/۸ درصد)	(۲۲/۹ درصد)	(۶۳/۳ درصد)	

جدول شماره ۶ (۲)

نام کشور	درصد واردات از کشورهای عضو	محصولات کشاورزی	دیگر کالاهای اولیه	کالاهای تولیدی صنعتی	کل واردات
اوگاندا	۴/۲	۲۶/۵۸	۳۱/۴۲	۱۹۲	۲۵۰
کامرون	۹/۱	۱۲۲/۶۳	۲۰۵/۳۷	۱۱۰۰	۱۴۲۸
مالی	۱۰/۸	۷۷/۶۲	۶۵/۳۸	۲۲۲	۳۶۵
بورکینافاسو	۱/۲	۷۲/۹۸	۷۵/۰۲	۱۹۰	۳۳۸
سنگال	۸/۱	۲۹۴/۷۷	۲۱۳/۲۳	۳۵۳	۸۶۱
نیجر	۵/۷	۵۳/۶۵	۱۶۰/۳۵	۲۹۴	۵۱۰
گینه	۳/۴	۵۸/۸۶	۳۷/۱۴	۲۲۴	۳۲۰
چاد	۱۰/۳	۱۱/۹۶	۳۶/۰۴	۷۰	۱۰۸
سیرالئون	۲/۰	۷۶/۶۳	۴۷/۳۷	۱۸۷	۳۱۱
بنین	۹/۷	۹۲/۰۰	۴۶/۰۰	۳۲۲	۴۶۰
گامبیا	۴/۵	۴۰/۷۵	۳۲/۲۵	۴۹	۱۲۲
گینه بیسائو	۷/۱	۱۸/۸۶	۱۰۶/۱۴	۲۰	۵۰
گابن	۳/۷	۱۲۱/۳۵	۲۹/۶۵	۶۸۸	۸۳۹
کومرو	۳/۰	۱۳/۲۵	۶/۷۵	۱۴	۳۴
مجموع کشورهای آفریقائی	۶/۶	۱۰۸۱/۸۹ (۱۸ درصد)	۹۸۷/۱۱ (۱۶/۵ درصد)	۳۹۲۷ (۶۵/۵ درصد)	۵۹۹۶

جدول شماره ۶ (۳)

نام کشور	درصد واردات از کشورهای عضو	محصولات کشاورزی	دیگر کالاهای اولیه	کالاهای تولیدی صنعتی	کل واردات
مصر	۲/۵	۳۲۰۳/۷۶	۵۹۷/۰۴	۵۰۳۸/۲۳	۸۸۳۹
مراکش	۲۱/۵	۱۱۱۰/۶۵	۱۴۵۹/۳۹	۱۷۸۵/۹۶	۴۳۵۶
الجزایر	۱/۳	۲۰۷۷/۶۵	۱۱۴۳/۷۵	۸۲۸۳/۶۰	۱۱۵۰۵
سودان	۲۴/۳	۳۰۸/۹۴	۳۳۸/۰۴	۹۳۱/۰۲	۱۵۷۸
عراق	۸/۱	۱۹۳۲/۶۸	۱۰۶۶/۳۲	۵۷۰۵/۰۰	۱۸۷۰۴
عربستان سعودی	۳/۲	۵۰۱۱/۷۶	۹۷۹/۷۲	۲۹۲۵۲/۵۲	۳۵۲۴۴
سوریه	۲۵/۴	۶۸۲/۴۴	۶۵۵/۲۶	۳۷۰۲/۳۰	۵۰۴۰
تونس	۱۳/۳	۶۰۸/۲۹	۱۰۱۶/۶۸	۲۱۵۴/۰۳	۳۷۷۹
یمن شمالی	۲۶/۲	۴۵۰/۰۰	۱۲۹/۰۰	۱۰۳۰/۰۰	۱۶۰۹
سومالی	۲۹/۲	۶۶/۰۰	۱۰/۰۰	۱۲۳/۰۰	۱۹۹
لیبی	۴/۸	۱۲۵۴/۰۹	۵۰۶/۱۳	۶۶۲۱/۷۸	۸۳۸۲
لبنان	۱۷/۶	۶۹۹/۶۷	۱۲۲۵/۳۳	۱۵۷۵/۰۰	۳۵۰۰
اردن	۲۰/۹	۴۸۹/۷۰	۶۷۵/۴۳	۱۹۸۳/۰۰	۳۱۴۹

دنباله جدول شماره ۶ (۳)

نام کشور	درصد واردات از کشورهای عضو	محصولات کشاورزی	دیگر کالاهای اولیه	کالاهای تولیدی صنعتی	کل واردات
یمن جنوبی	۴۸/۶	۲۵۱/۲۳	۴۸۴/۷۷	۸۶۴/۰۰	۱۶۰۰
موریتانی	۶۴/۱	۹۷/۱۰	۵۴/۱۰	۱۱۳/۸۰	۲۶۵
کویت	۷/۲	۹۷۷/۰۰	۲۰۹/۰۰	۵۷۸۳/۰۰	۶۹۶۹
عمان	۲۰/۲	۲۹۷/۲۳	۳۴۳/۴۰	۱۶۴۷/۰۰	۲۲۸۸
امارات متحده عربی	۱۲/۶	۱۰۶۱/۰۰	۱۲۵۵/۰۰	۷۳۳۲/۰۰	۹۶۴۸
جیبوتی	۴۰/۰	۴۲/۰۴	۲۹/۹۶	۴۸/۰۰	۱۲۰
بحرین	۸۳/۷	۲۱۶/۷۷	۲۳۵/۲۳	۳۶۷۲/۰۰	۴۱۲۴
قطر	۸/۹	۲۱۰/۲۲	۱۰۱/۷۸	۱۶۳۷/۰۰	۱۹۴۹
مجموع کشورهای عربی	۱۱/۲	۲۱۰۴۸/۱۹	۱۲۵۱۵/۳۳	۸۹۲۸۳/۴۸	۱۳۲۸۴۷
		(درصد ۱۵/۸)	(درصد ۹/۴)	(درصد ۷۴/۸)	
مجموع کل کشورهای عضو سازمان	۱۱/۷	۲۹۷۶۴/۹۶	۲۶۱۳۶/۰۶	۱۳۸۱۶۴/۹۸	۱۹۴۰۶۶
		(درصد ۱۵/۳)	(درصد ۱۳/۵)	(درصد ۷۱/۲)	

جدول شماره ۷ (۱):

صادرات کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۸۱
(به میلیون دلار)

نام کشور	درصد صادرات به کشورهای عضو	محصولات کشاورزی	دیگر کالاهای اولیه	کالاهای تولیدی صنعتی	کل صادرات
اندونزی	۱/۰	۱۸۶۸/۷۶	۲۲۵۴۰/۲۴	۷۵۵	۲۵۱۶۴
بنگلادش	۲۱/۳	۱۶۷/۶۲	۴۱۵/۳۸	۷۹	۶۶۲
پاکستان	۳۸/۹	۱۲۵۶/۴۳	۱۲۷۷/۵۷	۳۴۶	۲۸۸۰
ترکیه	۵۰/۳	۲۵۵۶/۳۸	۱۲۹۹/۶۲	۸۴۷	۴۷۰۳
ایران	۱۴/۸	۱۴۷/۸۷	۱۱۹۸۲/۱۳	۳۷۵	۱۲۵۰۵
افغانستان	۲۴/۶	۳۱۹/۷۱	۳۴۶/۲۹	۲۲۸	۶۹۴
مالزی	۴/۳	۳۴۷۸/۸۶	۶۲۷۸۸۵	۱۹۹۸	۱۱۷۵۵
برونی	۵/۰	۰/۰۵	۴۰۶۳/۹۵	۴	۴۰۶۸
مالدیو	۱۹/۷	۰/۰۳	۱۵/۹۷	۰۰۰۰	۱۶
مجموع کشورهای آسیایی	۱۰/۶	۹۷۹۵/۷۰	۴۸۲۱۹/۳۰	۴۴۳۲	۶۲۴۴۷
		(درصد ۱۵/۷)	(درصد ۷۷/۲)	(درصد ۷/۱)	

جدول شماره ۷ (۲)

نام کشور	درصد صادرات به کشورهای عضو	محصولات کشاورزی	دیگر کالاهای اولیه	کالاهای تولیدی صنعتی	کل صادرات
اوگاندا	۱۱/۵	۱۳۹/۰۸	۱۷۶/۹۲	۱	۳۱۷
کامرون	۲/۳	۴۶۰/۹۹	۶۳۷/۰۱	۲۲	۱۱۲۰
مالی	۱/۱	۱۴۷/۴۶	۱/۵۴	۵	۱۵۴
بورکینافاسو	۵/۰	۶۴/۰۰	۱/۰۰	۱۰	۷۵
سنگال	۲۱/۳	۵۹/۹۹	۳۱۶/۰۱	۶۶	۴۴۲
نیجر	۲/۲	۶۲/۷۳	۳۸۷/۲۷	۵	۴۵۵
گینه	۶/۶	۲۴/۹۳	۴۶۴/۰۷	۱	۴۹۰
چاد	۱۰/۹	۷۹/۵۰	۲/۵۰	۱	۸۳
سیرالئون	۶/۱	۲۷/۴۵	۶۴/۵۵	۶۱	۱۵۳
بنین	۶/۲	۳۴/۲۰	۴/۸۰	۱	۴۰
گامبیا	۱۶/۵	۱۹/۲۶	۶/۷۴	۱	۲۷
گینه بیسائو	۱۰/۸	۱۸/۰۰	۰/۰۰	۰	۸
گابن	۲/۶	۹/۹۰	۲۱۸۷/۱۰	۱۱	۲۲۰۸
کومرو	۲/۰	۱۴/۷۲	۱/۲۸	۰	۱۶
مجموع کشورهای آفریقائی	۷/۰	۱۱۶۲/۲۱ (۲۰/۶ درصد)	۴۲۵۰/۰۰ (۷۶/۱ درصد)	۰	۵۵۸۸

جدول شماره ۷ (۳)

نام کشور	درصد صادرات به کشورهای عضو	محصولات کشاورزی	دیگر کالاهای اولیه	کالاهای تولیدی صنعتی	کل صادرات
مصر	۵/۷	۷۱۵/۰۳	۲۲۸۵/۹۷	۳۲	۳۲۳۳
مراکش	۹/۱	۴۳۱/۹۲	۱۴۷۰/۰۸	۴۱۸	۲۳۲۰
الجزایر	۰/۵	۱۰۲/۶۸	۱۴۲۸۵/۳۲	۷۲	۱۴۴۶۰
سودان	۲۷/۵	۵۰۸/۴۴	۱۴۸/۵۶	۱	۶۵۸
عراق	۱۷/۴	۶۳/۸۸	۱۰۴۴۵/۱۲	۲۱	۱۰۵۳۰
عربستان سعودی	۷/۵	۱۰۶/۰۵	۱۱۸۹۳۱/۹۵	۱۲۰۲	۱۲۰۲۴۰
سوریه	۱۳/۱	۲۳۶/۷۸	۱۶۲۸/۲۲	۲۳۸	۲۱۰۳
تونس	۸/۳	۱۸۹/۲۶	۱۶۲۱/۷۴	۳۹۸	۲۲۰۹
یمن شمالی	۴۵/۰	۳/۱۳	۲۲/۸۷	۲۱	۴۷
سومالی	۸۷/۷	۱۶۵/۰۸	۳۲/۹۲	۲	۲۰۰
اردن	۴۲/۹	۱۲۸/۰۱	۳۳۲/۹۹	۲۷۱	۷۳۲
لیبی	۵/۲	۰/۴۴	۱۵۵۴۴/۵۶	۳۱	۱۵۵۷۶
لبنان	۶۵/۸	۱۸۳/۴۶	۴۳۶/۵۴	۲۶۶	۸۸۶

دنباله جدول شماره ۷ (۳)

نام کشور	درصد صادرات به کشورهای عضو	محصولات کشاورزی دیگر کالاهای اولیه	تولیدات صنعتی	کل صادرات
یمن شمالی	۴۲/۴	۱۰/۲۳	۸۴	۸۴۰
موریتانی	۰/۲	۴۳/۲۷	۵۲	۲۵۹
کویت	۱۲/۱	۹۰/۸۷	۲۲۸۲	۱۶۲۹۸
عمان	۰/۰	۲۷/۹۵	۲۰۱	۴۶۹۶
امارات متحده	۷/۰	۹۸/۷۲	۲۰۲	۲۰۲۴۰
عربی			۱	۵۰
جیبوتی	۸۰/۰	۰/۰	۱۳۰۴	۴۳۴۷
بحرین	۳۱/۳	۲۰/۹۰	۱۱۳۸	۵۶۹۱
قطر	۵/۸	۰/۰	۸۲۷۱	۲۲۵۶۱۵
مجموع کشورهای عربی	۸/۷	۳۱۲۶/۱۰ (۱/۴۰ درصد)	۲۱۴۲۱۷/۹۰ (۹۵ درصد)	
مجموع کل کشورهای عضو سازمان	۹/۱	۱۴۰۸۴/۰۱ (۴/۸ درصد)	۱۲۸۸۸ (۴/۴ درصد)	۲۹۳۶۵۰

جدول شماره ۸:

تراز بازرگانی (صادرات منهای واردات) بخشهای اقتصادی گروههای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی سال ۱۹۸۱ (میلیون دلار)

نام گروه	محصولات کشاورزی کالاهای اولیه	کالاهای صنعتی	مجموع
کشورهای آسیائی	+۲۱۶۰/۸۲	-۳۰۴۴۲/۵۰	+۷۲۲۴
کشورهای آفریقائی	+۸۰/۳۲	-۳۷۴۲/۰۰	-۴۰۸
کشورهای عربی	-۱۷۹۲۲/۰۹	-۸۱۰۱۲/۴۸	+۹۲۷۶۸
مجموع کل کشورهای عضو سازمان	-۱۵۶۸۰/۹۵	-۱۱۵۱۹۶/۹۸	+۹۹۵۸۴

ب- تکنولوژی و فرهنگ

قدیم وجود داشته است. لیکن اکثر مدارس جدید علوم و مهندسی تنها پس از جنگ جهانی دوم بود که شروع به فعالیت نمودند، در صورتیکه چنین مدارسی در کشورهای توسعه یافته از آغاز قرن پیش تأسیس شده بودند.

در جهان اسلام از پیش از هزار سال قبل دانشگاههایی که در آنها علوم جایگاه ویژه ای داشتند تأسیس گردیدند. بهرحال سنت اسلامی تعلیم و آموزش علمی و فنی از زمانهای بسیار

تکنولوژی بمیزان زیادی تابع رشد جوامع شهری است. سطح شهرنشینی در جهان اسلام بیش از ۴۰ درصد نمی باشد که حدود نصف سطح شهرنشینی در کشورهای پیشرفته است. همچنانکه پیشتر اشاره شد، بیشترین درصد نیروی کار فعال جهان اسلام (۶۲ درصد) به کار در بخش کشاورزی اشتغال دارند که از روشهای بسیار سنتی و کم بازدهی که به زحمت قادر است غذای روزانه خود آنها را هم تأمین کند استفاده می نمایند.

از سوی دیگر، تکنولوژی نمی تواند در جامعه ای که بیسوادی در آن حکمفرماست توسعه یابد. نرخ افراد باسواد در جهان اسلام بیش از ۴۲ درصد نیست در صورتیکه در کشورهای صنعتی این نرخ به ۹۵ درصد بالغ می شود. حتی میانگین این نرخ در بین ملل جهان سوم (۵۵ درصد) هم بیشتر از میانگین جهان اسلام است. در کشورهای پیشرفته معمولاً درصد جمعیت بین ۱۹-۵ سال که بمدرسه میروند بیش از ۷۵ درصد است در حالیکه در جهان اسلام این درصد تنها ۳۷ درصد و رقمی پائین تر از ۴۸ درصد کشورهای جهان سوم می باشد. چنین درصد پائینی بطور قطع تأثیرات جدی بر روی سرنوشت نسلهای آینده ما خواهد گذاشت.

همچنانکه در جدول شماره ۸ نشان داده شد، در سال ۱۹۸۲ میزان ثبت نام در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در جهان اسلام متجاوز از ۲۰۰۰۰۰۰ نفر بوده است که معادل تقریباً ۳۲۲ دانشجو در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر می باشد. این رقم از ۱۰۳ نفر در گروه کشورهای آفریقایی به ۱۹۰ نفر در کشورهای آسیایی و ۷۵۴ نفر در کشورهای عربی متغیر است. این ارقام بسیار پائین تر از میانگین کل کشورهای دنیا و کشورهای پیشرفته می باشد.

تنها ۳ درصد از جمعیت بین ۲۰ تا ۲۴ سال در کشورهای اسلامی در مراکز آموزش عالی ثبت نام کرده اند در صورتیکه

این رقم در کشورهای صنعتی ۳۳ درصد و در جهان اسلام ۹ درصد می باشد. از سوی دیگر، در کشورهای اسلامی حدود ۲/۵ میلیون مهندس و محقق وجود دارند که میانگین آن ۳۳۰ مهندس و محقق در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر می باشد و این رقم برای حمایت و پشتیبانی از هرگونه توسعه تکنولوژیکی بسیار ناچیز می باشد.

از اینرو آمار ارائه شده دلگرم کننده نیست و شکوفایی علمی و تکنولوژیکی کشورهای اسلامی در آینده خیلی امیدبخش بنظر نمی رسد. اگرچه دولتهای مسلمان کوششهای شایانی در جهت ازدیاد جمعیت می نمایند لیکن این بتنهایی برای تضمین توسعه و رشد کشورهای اسلامی و رهایی از وابستگی اقتصادی کافی نخواهد بود. در صورتیکه نگاهی به شرایط و کیفیت ضعیف و نامطلوب اغلب لابراتوارها و کتابخانه های دانشگاهی کشورهای اسلامی انداخته شود، تصویر ارائه شده در فوق کاملتر خواهد شد.

وجود نیروی انسانی خلاق و فعال برای پیشاهنگی توسعه در کشورهای مسلمان در فرآیند تغییرات تکنولوژیکی یک نیاز واضح و حتمی است. یکی دیگر از کمبودها و مشکلات جهان اسلام تخصیص تکنولوژیهای موجود خود بصورتی که محدود به بازارهای آن کشور گردد می باشد که تخصیص آنها بطور صحیح بندرت صورت میپذیرد. نتیجتاً اگرچه کشورهای مسلمان کوششهای فراوانی جهت آموزش و تربیت نیروی انسانی خود مبذول میدارند، نتایج بدست آمده متناسب با کوششها و انتظارات آنان نیست. در حقیقت همزمان با آموزش مهندسين و دانشمندان، مشاغلی که باید بوسیله آنان تصدی گردد نیز به خارج صادر میشود چنانکه حدود ۹۲ درصد کلیه امور مشاوره ای جهان اسلام توسط شرکتهای کشورهای پیشرفته صنعتی انجام میگردد.

از اینرو، جریانی از دانش و پشتوانه علمی بطور مستمر

بسوی کشورهای پیشرفته کشیده می شود، کشورهای مسلمان متقابلاً هیچگونه کار مشاوره ای به مؤسسات کشورهای مسلمان ارجاع نمی نمایند و در نتیجه پرسنل متخصص و تحصیل کرده ما نمی توانند با کشفیات و ابداعات جدید علمی آشنا گردیده و توانایی و جرأت لازم را برای ابتکارات و ابداعات تولیدی نخواهند یافت. نتیجتاً بسیاری از آنان زمینه های تخصصی خویش را رها می سازند و به کشورهای پیشرفته صنعتی مهاجرت می نمایند.

در حالیکه فرار مغزها همراه با زیان مستمر از دست دادن نیروی انسانی علمی و فنی به نفع کشورهای پیشرفته پدیده ای است که کلیه کشورهای در حال توسعه به آن مبتلا می باشند، این پدیده به جهان اسلام نیز بطور جدی سرایت کرده است. طی ۲۰ سال گذشته کشورهایی مانند پاکستان، مصر، ایران، سوریه، بنگلادش، ترکیه، الجزایر، لبنان و اردن تعداد قابل ملاحظه ای از نیروی انسانی بسیار متخصص و تحصیل کرده خویش را به جهان صنعتی واگذار نموده اند. دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته نیز دیر یا زود به این پدیده دچار خواهند شد و سرانجام این بلیه تمام جهان اسلام را فرا خواهد گرفت. نیروی متخصصی که در طی دو دهه اخیر به کشورهای

صنعتی مهاجرت نموده اند را می توان در حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر تخمین زد که اکثریت آنان به آمریکا و نیز کشورهای اروپای غربی، کانادا و استرالیا رفته اند. در بین بزرگترین حسارت دیدگان این پدیده در جهان اسلام در آسیا، سه کشور بیشترین تعداد نیروی انسانی را از دست داده اند: ایران، پاکستان و ترکیه و در گروه کشورهای عربی: سوریه، اردن و لبنان. برای مثال پاکستان حدود ۶۰ درصد از فارغ التحصیلان هر سال رشته های پزشکی خود را از دست می دهد. فرار مغزها در گروه کشورهای آفریقایی بیشتر بسوی کشورهای اروپای غربی بوده است. از سال ۱۹۷۵ تا کنون حدود یک سوم نیروی انسانی متخصص کشورهای جنوب آفریقا به فرانسه مهاجرت نموده اند. مطالعات فراوانی در مورد بررسی ریشه یابی ذلیل فرار مغزها از کشورهایی که خود دارای تعداد بسیار اندکی نیروی انسانی متخصص هستند به کشورهایی که تعداد بسیار بیشتری از این نیروها را در اختیار دارند انجام، و دلایل متعددی اظهار گردیده که عبارتند از:

- ۱- سطح دستمزدها در کشورهای پیشرفته تقریباً ۱۰ برابر سطح دستمزد در اغلب کشورهای مسلمان می باشد.
- ۲- شرایط کار در کشورهای پیشرفته از لحاظ دسترسی به

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
جدول شماره ۹:

سطح تحصیلات دانشگاهی در گروههای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی
در سال ۱۹۸۲

نام گروه	ثبت نام در دانشگاهها	تعداد کل در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	درصد جمعیت ۱۹-۵ ساله مشغول به تحصیل در مدارس
کشورهای آسیایی	۸۵۸۴۰۴	۱۹۰	۳۷
کشورهای آفریقایی	۶۹۵۲۲	۱۰۳	۲۴
کشورهای عربی	۱۳۱۲۰۳۱	۷۵۴	۴۲
مجموع کل کشورهای عضو سازمان	۲۲۳۹۹۵۷	۳۲۳	۳۷

تجهیزات و ادوات بهتر، اطلاعات جدیدتر، تسهیلات ارتباطی، کتابخانه‌های تخصصی بسیار بهتر و مجهزتر و تعداد بیشتری از همکاران متخصص در رشته مربوطه بسیار جاذب‌تر بنظر میرسد.

۳- کیفیت و سطح زندگی از لحاظ امکانات رفاهی معمولاً در کشورهای پیشرفته نسبت به اغلب کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بالاتر است.

بهرحال یکی از دلایل اصلی این است که کشوری که در آن تحقیقات علمی در رابطه با توسعه تجارت بمیزان کافی انجام نمی‌گیرد، قادر نخواهد بود جامعه علمی خود را در مقابل فرار مغزها حمایت نماید. بواقع در بسیاری از کشورهای اسلامی تحقیقات تنها در دانشگاهها انجام میگیرد و در ارتباط با پیشرفت و توسعه صنعتی آنها نیست زیرا که اغلب صنایع داخلی آنها - اگر اصولاً دارای صنعتی باشند - صنایع مونتاژی یا متعلق به شرکتهای چند ملیتی می باشد. یعنی صناعی کاملاً وابسته به دنیای صنعتی غرب.

از اینرو فعالیتهای تحقیقاتی در کشورهای اسلامی هم از لحاظ بودجه و پشتوانه و هم از لحاظ نیروی انسانی متخصص

بقیه از صفحه ۱۰

جدا دانست. طبق اظهارات رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، درآمد ارزی کشور در سال ۱۹۸۶ تنها به دلیل کاهش ارزش دلار نسبت به سال ۱۹۸۱ تقریباً به نصف تقلیل یافته است. همچنین در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ که سقوط ارزش سهام آغاز گشت تا پایان ماه اکتبر یعنی در فاصله حدود ۱۲ روز بالغ بر ۱۳/۲ میلیون دلار از بابت کاهش ارزش دلار از درآمدهای ارزی کشور کاسته شده است. البته این در حالی است که میزان صادرات نفت در این مدت با مدت زمان مشابه سال قبل برابر باشد.

دچار کمبود و نقصان می باشند. از طرف دیگر، هرگاه مؤسسه‌ای از جانب کشورهای اسلامی تأسیس میگردد، ارتباط آن با دیگر کشورهای اسلامی چنان ناچیز و درهای آن بر روی دیگر کشورهای اسلامی چنان بسته است که قادر نیست هزینه‌های خود را از طریق فروش و ارائه خدماتش به کشورهای اسلامی تأمین نماید. در عین حال کشورهای مسلمان طبق عادت برای اکثر خدمات مورد نیاز خود بسوی دنیای غرب می شتابند و بدین طریق استقلال و عدم وابستگی جامعه علمی و تکنولوژیکی و مؤسسات خود را پایمال می نمایند و این امر نیروی انسانی فنی و علمی ناچیز آنها را بمیزان زیادی بی مصرف گذارده و بدین ترتیب باعث تشویق فرار مغزها می گردد.

بعلاوه قوانین مهاجرت کشورهای صنعتی تماماً موجبات جذب نیروی انسانی ماهر فنی و علمی مهاجر را فراهم می سازند. در صورتیکه چنین قوانینی در کشورهای اسلامی چنان قدیمی و سختگیر هستند که حقیقتاً برای یک دانشمند مهاجر مسلمان غیرممکن است که بتواند به کشور اسلامی دیگری غیر از کشور خود مهاجرت نموده و جذب و ساکن آن گردد.

همانطور که گفته شد با کاهش ارزش دلار درآمدهای ارزی کشور کاهش یافته و در نتیجه منجر به کاهش واردات و ایجاد تورم در کوتاه مدت میگردد. البته کاهش ارزش دلار منجر به کاهش درآمد ریالی ایران نیز میشود. البته ایران از سقوط بورس سهام نگران نیست ولی فقط سقوط ارزش دلار بر اقتصاد کشور اثر میگذارد، به عنوان مثال در سال ۱۹۸۷ در مقایسه با سال ۱۹۸۰ ۲۰ درصد از قدرت خرید یک دلار کاسته شده است.